

روز و شب خواهم بدهقان تاختن
 جامه خیاط از غم چاک به
 تا منم بقال چه چقال کیست
 استعینوا ایها البیکارگان
 ای رفیق داش مشتی همتی
 هیچ میدانی که تا باماشدی
 تاخرند اینقوم با صد حبلشان
 و نه این بازاریان کارگر
 فاش می بینم خدا نا خواسته
 خرسواری میشود بر ما حرام
 (ناظر) بس کن حکایت کاسمان
 از رعیت ملک را پر داختن
 لخت تر حمامی از دلاک به
 تا توئی دهقان که و جمال کیست
 استقیموا معشر البتیارگان
 وای بساحل رانده کشتی همتی
 میش بودی کرک بی پرواشدی
 بست میبایست در اصطبلشان
 گرز خواب جهل بر گیرند سر
 میشود از ما فزونی کاسته
 حکم سلامت این و والسلام
 گرید و خندد بر اهل اصفهان
 (ناظر اصفهانی)

مثنوی فکاهی فوق نمونه ایست از آثار قلمی فاضل دانشمند نحریر
 آقای ناظر اصفهانی این ادیب دانشمند تحصیل علوم دینی و عربیه
 مشغول است و گاهی هم بشعر گفتن میپردازد ما از آن مقام ارجمند
 ادبی انتظار داریم که در آتیه همواره مجله ما را از آثار بدیده
 خود بی بهره نکذارند (وحید)

(تقدیر و انتقاد)

(آقای مدیر محترم ارمغان)

مقاله دلپذیر بقلم فاضل تحریر آقای میرزا عباسخان آشتیانی را
 در شماره پنجم ارمغان مطالعه نمودم که با بهترین بیان و برهان

مقامات بلند ادبی و علمی یگانه فیلسوف مشرق و شاعر بزرگ ایران (خیام) را مدلل داشته و الحق داد سخن داده بود .

تنها در این مقاله مبدء و مقطع يك وصله نا همرنگ بنظر آمد . زیر در مبدء چنین نکارش رفته بود ، «حضور بندگان حضرت اشرف آقای حکیم الملک وزیر محترم معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه .

و در مقطع چنین نوشته شده است « حمدالله که روی سخن یا دستور سخن دانی است که پیش از همه کس قدر ادب داند و مرتبه اهل ادب را شناسد .

اهل ادب را بزرگ داند و نشکفت این زبیر گیش بس بزرگ مپندار قدر گهر جز گهر شناس نداند اهل ادب را ادیب داند مقدار من با اینکه قابل بتغییر ماهیت نیستم و « الاصل لایخطی » را قاعده مسلم میدانم . از حسن عقیده که بنکارنده دانشمند داشتم بشک افتاده و يك حالت منتظره در نهادم ایجاد گردید و همه روز اقدامات کابینه سابق مخصوصاً عملیات وزیر معارف را باشتیاق در جرائد کنکاش نموده و مترصد بودم که در نتیجه این مقاله اسمی از خیام در کابینه وزراء بمیان آید و لامجاله این نام نامی که زیب سرلوحه کارخانه آفرینش است از تعرضات توهین آمیز يك میکند خلاص شده و از این بابت بیش از این سرزنش اهل عالم متوجه ایران نکرده .

اما چه انتظار بیجائی و عجب امیدواری بیهوده !

از وزیر بی نظیر اقدامی دیده نشد جز اقارب نالایق و پارتیهای نا قابل را برای انباشتن کیسه بکارهای مهمه گماشتن .
و از کابینه عملیاتی بروز نکرد مگر نان بیکدیگر قرض دادن تصویب نامه ها بسرعت برق از کابینه میگذشت اما مربوط بحفظ مقام خیام نبود .

پس بکجا مربوط بود! شهرت میگوید يك وزیر بیست هزار تومان از دولت قرضکرد . دیگری هجده هزار تومان بیهانه عمارتسازی برای دولت دریافت نمود آن يك مبالغه هنگفت بنام خسارت املاکش از میانه ربود : دیگری از فرط لیاقت يك تته دو وزیر شد یعنی حقوق دو وزارت برد يك آخوند دسته بند باهم خسارت املاکش بیست و پنجهزار تومان سهم برداشت .

بنام تأمین آتیه برای هر وزیري که بکار مشغول نیست مجدداً سیصد تومان ماهیانه تصویب گردید و بالاخره در آن جلسه اخیر تاریخی کابینه هر چه در خزینه مالیه موجود یافتند بعنوان حقوق خویش تقسیم کرده و برای بستگان خود هم از قبیل مدحت السلطنه و وو ماهیانه سیصد و چهارصد تومان تصویب کرده گرفتند و رفتند در صورتی که بمستخدمین جزء وزارتخانه ها سه چهار ماهست که حقوق نرسیده آقای مدیر ارمغان آقای میرزا عباسخان چگونه آرزو داشتند که حقوق خیام منظور گردد و مقام ادبی او از توهین محفوظ ماند مگر خیام وزیر یا خویشاوند وزیر یا پارتی وزیر بود ؟
مگر برابری چشم شما دیروز مدرسه خیریه شبانه روزی ایتم از معارف

پروری همین وزیرها اعلان انحلال نداد ؟
مگر رساله که آقای نجات راجع بانحلال این مدرسه طبع و
نشر کرده اند مطالعه فرمودید .

مگر در همان رساله نخواندید که يك وزیر که از طرف همین
ملت دارای ملیونها ثروت است و ماهیانه دوسه هزار تومان هم باسم
حقوق وزارت مستقیماً همانوقت از بیت المال ملت میبرد يك بلیط
دوقرانی هم از نمایش خیریه خریداری نکرد ؟ !

پس بچه مناسب انتظار داشتید که اینان مقام و حقوق خیامرا
منظور دارند و چرا آن اشعار که يك شاعر بزرگ برای مردمان
نامی انشا نموده بی مورد استعمال فرمودید .

سخن از سیم و زر میگو چو هستی همدم قارون .
ز اعجازید و بیضا حکایت گوی یا موسی
نشاید خفسا را کرد عاشق بر جمال گل

نباید خواند طاعون را طرف دار دم عیسی
باری این آرزوها برای روزی است که لامحاله مانند دوره
استبداد ناصری وزیر معارف از میان اهل علم و معرفت انتخاب گردد
و اگر مانند شاهزاده علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه طاب الله ثراه
وزیری برای معارف پیدا شد آنوقت علما و معارف خواهان و
ادبا به آمال و آرزوهای مقدسه خود خواهند رسید و اگر نه عرض
خود مبرید و زحمت بوزراء عظام ندهید .